

راجع بتاریخ روزنامه نگاری در ایران

بقلم آقای رضا صفی نیا

در شماره سوم و هشتم مجله شریقه یادگار در خصوص (نخستین روزنامه فارسی در ایران) و (تاریخ روزنامه نگاری در ایران) دو مقاله فاضلانه مرقوم شده که برای روشن کردن تاریخ این امر بسیار مهم و سودمند میباشد چون درین مقالات پس از ذکر انتشار (کاغذ اخبار) در ۱۲۵۲ بوسیله میرزا صالح شیرازی و روزنامه (وقایع اتفاقیه) در سال ۱۲۶۷ بوسیله مرحوم امیر کبیر بروزنامه (وطن) که بامر مرحوم حاج میرزا حسینخان سپهسالار در ۱۲۹۳ چاپ شده اشاره شده و از اینک در فاصله میان ۱۲۵۲ و ۱۲۹۳ روزنامه منتشر شده یا نه ذکر بیامان نیامده ازین جهت مناسب دید اطلاعی را که این جانب درین زمینه دارد و ظاهراً میسراند که درین فاصله دو روزنامه در تهران منتشر شده بنگارد تا هم مکمل اطلاعات تاریخی و بسیار سودمندی باشد که مدیر دانشمند مجله بجمع آوری آنها بذل همت فرموده اند و هم زمینه برای تحصیل اطلاعات بیشتر در باب مؤسین و نویسندگان آنها گردد:

در میان آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده که یکی از دانشمندان قرن گذشته بوده (۱۲۲۵ - ۱۲۹۴) و در تفلیس زندگانی میکرد دو مقاله دیده میشود که ظاهراً حاکی از وجود دو روزنامه در تهران میباشد .
مقاله اول تحت عنوان (رساله ایراد) عبارت از لایحه انتقادیه ایست از محروم رضا قلیخان هدایت در سبک تألیف روضه الصفا، در آغاز رساله میرزا فتحعلی چنین نوشته است :

«در سنه ۱۲۷۹ فصل تابستان سه ماه در بیلاق قوجور تفلیس نشین داشتم

گاه گاه در ساعات آسودگی از مشاغل روزانه خدمت بتاريخ روضه الصفای ناصریه
 نالیف رضا قلیخان المتخلص بهدایت مطالعه میگردم لهذا از دارالانشاء روز نامه
 تهران توقع میکنم این محاورات را که مابین من و رضا قلیخان وقوع یافته است در
 روزنامه دارالخلافه چاپ زند بهمین قاعده که مکالمات بر یکدیگر مخلوط نشود ۱
 از این مقدمه چنین برمی آید که در سال ۱۲۷۹ روزنامه در تهران چاپ و منتشر
 میشده است .

مقاله دوم لایحه انتقاده ایست تحت عنوان (قریتیکا) این مقاله نیز باین ترتیب
 آغاز میشود :

« بمنشی روزنامه ملت سنیه ایران مکتوبست ، تصنیف قولونل میرزا فتحعلی
 آخوندزاده در سنه ۱۲۸۳) ،

« برادو مکرسم من در تاریخ یوم جمعه چهاردهم ربیع الاول ۱۲۸۳ در شهر
 نقلیس روزنامه ملت ایران واصل شده »

« به تقریبی که در ذیل ذکر خواهد شد بنظرم رسید اول این عبارت خواندم
 « از جانب سنی الجوانب همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه امر و مقرر
 است که روزنامه ملتی برسبیل آزادی نگارش یابد تا خاص و عام از خواندن آن
 بهره ور شوند یعنی این عبارت ظاهراً دلالت بر آن دارد که هر کس در خصوص
 قوائد ملت ایران هر خیال و فکری که داشته باشد بدون واهمه بقلم تواند آورد
 لذا من که از متوطنین خاک قفقاسم و از جهت اسلامیت و مذهب با ملت ایران برادری
 دارم بموجب مضمون همان عبارت جسارت ورزیده خیال خود را بتومی نگارم »

بعد از اینکه شکل مسجد را در روزنامه علامت ملت ایران قرار داده مدیر
 روزنامه اشعار نموده و نوشته مسجد انحصار بقوم ایران ندارد و علامت ملت ایران قبل
 از اسلام آثار سلاطین قدیمه فرس از قبیل تخت جمشید و قلعه اصطخر و بعد از اسلام آثار
 پادشاهان صفویه است که باعث سلطنت مستقلة ایران شده اند . باید بجهت شعار ملت ایران

۱ موضوع این مقاله بعضی اشعار بسیار جوی از هیوه و سبک نگارش تاریخ و استعمال
 کلمات و لغات و اشعار بی جیا و بی تناسب است

علامتی پیدا کنی که از یکطرف دلالت بر دوره سلاطین قدیمه فرس داشته باشد و از طرف دیگر پادشاهان صفویه را بیاد آورد چون شکل تاج دوازده ترک قزلباش از سقرلات سرخ.

و نیز از اینکه بیشتر از دو صفحه روزنامه را بر نقل نسیب و حالات و غزل پرورش ملقب بشمس الشعراء اختصاص داده بمنشی روزنامه ایراد ها گرفته است و در باره نشر و نظم و مضمون آن اظهار نظر کرده که بسیار جالب توجه است؛ در اواخر این مقاله میرزا فتحعلی از منشی روزنامه درخواست کرده که این (قریشکا) را برای عبرت و تنبیه دیگران در چند (نومره) روزنامه چاپ کنی و در داخل ممالک منتشر سازد.

نسخه از این رساله را میرزا فتحعلی با القباء جدید که ساخته بود و معروفه بوزارت معارف و تحقیقات فاضلانیه در باره خط عربی و صورت مرمان سلطان عثمانی در باره اصلاح خط در چهار جلد مجلد نموده و به تهران فرستاده است که اکنون در کتابخانه مسجد سپهسالار موجود است.

البته اگر نسخه هائی از روزنامه هائیکه در این مقالات آخوندزاده ذکر شده بدست آید برای تکمیل تاریخ روزنامه نگاری در ایران بسیار مفید خواهد بود.

تهران اردی بهشت ماه ۱۳۲۴ رضا صفی نیا

پس از نشر نوشته آقای صفی نیا و عرض تشکر از توجیهی که بروشن ساختن قسمتی از تاریخ روزنامه نگاری در ایران اظهار داشته اند، عنوان توضیح و تکمیل بنوشتن سطور ذیل مبادرت میشود:

اینکه آقای صفی نیا مرقوم داشته اند که در مجله یادگار باین نکته اشاره ای نشده است که مابین ۱۲۵۲ و ۱۲۹۳ در طهران رونامه ای منتشر شده بانه و از نوشته های آخوندزاده استنباط فرموده اند که در این فاصله لا اقل دو روزنامه منتشر میشده شاهد آن نیست که ما از نشر روزنامه یا روزنامه هائی در این فاصله بی اطلاع بودیم چه کسانی که در مقاله مندرج در شماره های سوم و هفتم از سال اول یادگار در اصطلاح کرده اند دانسته اند که غرض ما بیشتر روشن کردن تاریخ ابتدای روزنامه نگاری

در ایران یعنی دو سنوات فاصل مابین ۱۲۵۲ (سال انتشار طلیعه روزنامه میرزا صالح شیرازی) و ۱۲۶۷ (سال انتشار وقایع اتفاقیه بتوسط امیر کبیر) بوده و این آن قسمتی است که بیش از همه تاریخ آن بر ما مجهول است و درست نمیدانیم که آیا در این فاصله از زمان روزنامه‌ای در ایران منتشر شده است یا نه

در اینکه از بعد از سال ۱۲۶۷ تا امروز رشته نشر روزنامه بزبان فارسی در ایران قطع نشده هیچ شك و شبهه نیست چنانکه همان روزنامه وقایع اتفاقیه که اول شماره آن در پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ منتشر شد و بعدها نام آن بروزنامه دولتی ایران و روزنامه دولت علیه ایران و روزنامه ایران تبدیل گردید تا ایام سلطنت مظفرالدین شاه همچنان باقی بود و انتشار می یافت

انتقادی که آخوندزاده در سال ۱۲۷۹ بر کتاب روضة الصفای ناصری مرحوم هدایت (تاریخ طبع آن کتاب ۱۲۷۰ - ۱۲۷۴ است) نوشته و در آن از روزنامه دارالخلافه مذکری کرده باید فرض همان روزنامه دولت علیه ایران دنبال روزنامه دولتی و وقایع اتفاقیه باشد که در آن ایام (یعنی تابستان ۱۲۷۹) شماره‌های بین ۵۳۰ و ۵۵۰ آن در طهران منتشر میشده و تصور نیز بوده است زیرا که از تاریخ ۱۲۷۷ که ناصرالدین شاه ریاست دارالطباعة دولتی و طبع روزنامه‌ها را در عهده مرحوم میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی ملقب بنقاش باشی هم مرحوم میرزا محمدخان کمال الملک گذاشت دست برداد که روزنامه دولتی مصور شود و مرحوم نقاشی‌ها ویرا بکشد . تا آنجا که نگارنده بمنابع دسترسی داشتم نتوانستم بفهمم که آیا این انتقاد آخوندزاده از کتاب روضة الصفای ناصری در آن روزنامه یا جایی دیگر بچاپ رسیده است یا نه .

اما رساله انتقادی آخوندزاده که او آنرا بعنوان «قربتیکه» در ۱۲۸۳ از تفریس بمنشی روزنامه ملت سنیه ایران ، نوشته و نگارنده نیز يك نسخه از آنرا دارم خطابست بعلی قلی میرزا اعتضاد السلطنه وزیر علوم ایران که در ۱۲۷۵ باین مقام منصوب شده و در سال ۱۲۸۳ بانشار روزنامه‌ای هفتگی بنام «روزنامه ملت سنیه ایران» بچاپ سنگی پرداخته و شماره اول آنرا در جمعه ۱۴ ربیع الاول از همین سال منتشر

ساخته است و در همین شماره اول است که اعتضاد السلطنه شرح حال میرزا محمد علیخان سروش شمس الشعراء اصفهانی را بتفصیل نگاشته و بهمان علت مورد حملات انتقادی آخوند زاده شده و آخوند زاده را بنگاشتن رساله «قرینتیکاه» واداشته است.

از روزنامه ملت سنیه ایران مجموعاً ۳۳ شماره در طهران انتشار یافت و آخرین شماره آن ۲۰ جمادی الاخری سال ۱۲۸۷ تاریخ دارد.

رساله «قرینتیکاه» در این سی و سه شماره روزنامه سنیه ملت ایران مندرج نیست و یقین است که اعتضاد السلطنه و منشیان دیگر آن روزنامه بآن نوشته که از شرایط ادب بکلی خارج و سبک عبارات آن نیز با سبک فارسی مغایرت تام دارد اعتنالی نکرده اند بخصوص که نسخه ارسالی پیش اعتضاد السلطنه (ظاهرأ همین نسخه محفوظ در مدرسه سپهسالار جدید) بسالفبای مخصوصی بوده است که آخوند زاده خود اختراع کرده بوده و فضلی ایران در آن وقت از این نغمه های ناساز آشنه نواز داشته اند.

نسخه ای که نگارنده از رساله انتقادی آخوند زاده دارم بخط معمول فارسی است و آنرا که شاید مؤلف یکی از شاهکارهای ادبی خود می پنداشته وی مخصوصاً بتوسط کاتبی نویسنده و بمیرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره (همان آصف الدوله و نصیر الدوله شیرازی که در سال ۱۲۷۴ نایب وزارت خارجه شده و در تبریز اقامت داشته) هدیه داده است.

انتقاداتی که آخوند زاده در طی این رساله بر روش روزنامه ملت سنیه ایران و طرز تقریر مطالب آن و مضامین اشعار سروش کرده شاید تمام یا اکثر آنها وارد باشد اما چیزی که بهیچوجه وارد نیست و آخوند زاده در حقیقت در آنجا مشت خود را باز کرده ایراداتی است که بر جمله بندی و وزن اشعار سروش میکشد، از ملاحظه همانها و از اشعار سستی که خود آخوند زاده بفارسی می گفته بخوبی واضح میشود که آن مرد دانشمند با غیرت ملت پرست اگر همه هنری داشته است شعر نمی نموده.

در خاتمه بی مناسبت نمیدانیم که شرحی را که معتمد الدوله فرهاد میرزا در باب آخوندزاده و الفبای او در کتاب هدایة السبیل خود آورده در اینجا نقل کنیم.

فرهاد میرزا پس از آنکه در شوال سال ۱۲۹۲ آخوندزاده را در تفلیس دیده در باره او چنین می نویسد :

« میرزا فتحعلی آخوندزاده بروسی آخوندوف بولکنیک که مترجم پیشکاری کل قفقازیه است الف باء تاء اختراعی خود را آورده بود که سه قسم است دو قسم او را پسندیدم یک قسم که حروف مقطعه است و باید از چپ بر راست نوشت که اختراع از اشکال خط لاطین است گفتم چون تشبیه بخط فرنگی دارد خاقانی گفته فلک کج رو تراست از خط ترسا اهل اسلام قبول نخواهند کرد ولی آن دو قسم دیگر را اگر ممکن باشد بهتر است چنانچه این مقله خط کوفی را بنسخ بدل کرد و تسهیل عمل نمود، و در اختراع این خطوط خیلی زحمت کشیده است در اینکه در زبان عرب و فرس تلفظ منوط بسمع است حرفی نیست و اگر اعراب جز، کلمه باشد و نقطه نمیداشت این اختلافات برخاسته میشد مثلا اگر کسی نداند مخبر را بچند طور میتواند بخواند مخبر مجبر مخبر مجبر مجیز و مجیز و اگر اعراب جز، کلمه باشد و حروف از یکدیگر تمیز داشت برای اطفال و مبتدی خواندن کتاب و درس خیلی آسان میشد بلکه منتهی نیز حاصل میبرد ولی حالادر دوست ملیان ملت اسلام این خطوط رواج گرفته تغییر او مشکل است.

سعدی بروزگاران مهر نشسته در دل بیرون نمیتوان کرد الا بروزگاران دور نیست بعضی از عوام تغییر خط را بدعت در دین بدانند این مقله هم خط کوفی را تغییر داد. از دو خط اختراعی مشارالیه که قل هو الله احد را بخط خود برای من نوشته بود در اینجا برای اطلاع ناظرین نقل نمود ... القصه مشارالیه مرد فاضلی است زبان روسی را خوب میداند و ترجمه خوب میکند و عربی و ترکی و

۱ - در اینجا فرهاد میرزا دونه از این خطوط اختراعی را نقل کرده که آورده آنها در مجله با حروف ممکن نیست هر کس میخواهد بکتاب هدایة السبیل ص ۳۹ رجوع کند.

فارسی را هم میدانند و طبع شعر نیز دارد و مذهب شیعه دارد راسی احمدی عشری المذهب و اشعری الاعتقاد است که بجبر قائل است و بولادت امام قائم عجل الله فرجه اعتقاد ندارد و ابن حدیث را میخواند : سیولد من ولد فاطمة مهدی یبلاً الارض فسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً و می گوید هنوز متولد نشده است و این شعر را داریم میخواند که شیخ محمود شبستری در گلشن راز گفته است :

هر آنکس را که مذهب غیر جبر است نبی فرمود که میمانند گبر است
والدش میرزا محمد تقی از قریه خامنه ارونق است و ارونق یکی از باوکات هجده گانه تبریز است و والده اش از اهل شکی بود و اصلش از طایفه مقدم مراغه بود که بشکی رفته و چند سال نیز در قراداغ بود و بعد از فتنه روس و ایران در سن بیست و هشت سالگی بقراباغ و شکی آمده و در نزد اخوال خود ماند میل بمرامت بایران نداشته در دولت روس صاحب مناصب عیدیه شده است .

(یادگار)

چیزت این زندگانی دنیا ...

باخرد دوش در سخن بودم	کشف شد بردم مثالی چند
گفتم ای مایه همه دانش	دارم الحق ز تو سؤالی چند
چیزت این زندگانی دنیا	گفت خواهیست یا خیالی چند
گفتش چیست مال و ملک جهان	گفت درد سرو و بالی چند
گفتم اهل زمانه در چه رهند	گفت در بند جمع مالی چند
گفتم این را چه حالتست بگو	گفت غم خوردن و ملالی چند
گفتم اورا مثال دنیا چیست	گفت زالی کشیده خالی چند
گفتمش چیست کدخدائی گفت	هفته ای عیش و غصه سالی چند
گفتم این نفس رام کی گردد	گفت چون یافت گوشمالی چند
فتنه انگیز گفتمش چه کنند	گفت در آخرت نکالی چند
گفتمش چیست گفته عطار	گفت پند است و حسب حالی چند

(فریدالدین عطار نیشابوری)